

جستاری بر نقش مفهوم خودسازی در گسترش تمدن نوین اسلامی

فاطمه سادات^۱

فاطمه سادات علوی علی آبادی^۲

چکیده

با تأمل در بیانیه گام دوم درمی‌یابیم که خودسازی، مقدمه اجرای بیانیه گام دوم است. مسئله اساسی این مقاله، بررسی نقش خودسازی در گسترش تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعات کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، خودسازی را معنا و تعریف کرده و با الهام‌گیری از آیات قرآن کریم، مفهوم دقیق‌تری از آن ارائه داده است. دلیل اهمیت خودسازی را بیان نموده و زمان خودسازی را مشخص کرده است. به شرح مراحل و راه‌های خودسازی پرداخته و با معرفی چند نمونه از افراد خودساخته و تأثیرگذار در جهان اسلام تأثیر خودسازی تک‌تک افراد بر جامعه را واکاوی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فراگیر شدن خودسازی در جامعه، موجب گسترش تمدن نوین اسلامی در جامعه شده و زمینه را برای پذیرش و حضور یگانه منجی و عدالت‌گستر جهان، آماده خواهد نمود.

کلیدواژه‌ها: بیانیه گام دوم، گسترش تمدن نوین اسلامی، خودسازی، سردار شهید سلیمانی

^۱. طلبه مقطع کارشناسی جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمیه نمایندگی خراسان

^۲. استادیار جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمیه نمایندگی خراسان

ضرورت توجه به گسترش تمدن نوین اسلامی جهت عبور از شرایط تاریخی موجود و رسیدن به جامعه مهدوی چیزی است که هر مسلمان اندیشمندی متوجه آن بوده و دغدغه تحقق آن تمدن را دارد. در این بین آنچه مهم است، مسیری است که باید برای رسیدن به این تمدن طی گردد. بیانیه مقام معظم رهبری در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، موسوم به گام دوم، منشور هدایت و نقشه راه حرکت آینده انقلاب و نظام اسلامی است که چگونگی دست‌یافتن به تمدن نوین اسلامی را نوید می‌دهد. با توجه به فرمایش رهبر معظم انقلاب آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (دام‌الله‌العالی) که در دیدار با مسئولان نظام فرمودند: «آنچه که ما بیشتر از همه مقولات، باید در آن پیشروی می‌کردیم و نکردیم، همین عرصه معنویت و خودسازی و دل را آراستن و اخلاق را زیور دادن است و ما در این زمینه‌ها عقب هستیم.» (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، دیدار مسئولان نظام، ۳۱ شهریور ماه ۱۳۸۶) بر آن شدم تا به‌عنوان یک انسانی که در قیامت بر طبق خصلت‌های اکتسابی روحی‌ام و نه اندام ظاهری جسمانی‌ام، محشور می‌شوم؛ در ابتدا خویشتن خویش را به درک روشنی از مفهوم خودسازی برسانم، اهمیّت این مؤلفه را واکاوی کرده و با تدبّر در آیات قرآن برای قرارگرفتن در این راه عزم را جزم کنم. راه‌های رسیدن به آن را یافته و با الگو گرفتن از انسان‌های خودساخته آنان را راهنمای خویش قرار دهم و در انتها بتوانم گامی مؤثر برای گسترش تمدن نوین اسلامی و فراهم‌آوردن ملزومات عرصه ظهور امام غایب دوست‌داشتنی‌ام بردارم و مطالعات ناچیزم را در اختیار دیگر مشتاقان قرار دهم.

معنای خودسازی

خودسازی در لغت از ریشه [خَوَد، خُد] (حامص مرکب) گرفته شده و به معنی به تهذیب اخلاق خود کوشیدن و ظاهر خود آراستن است. (دهخدا، بی تا، ج ۶، ص ۸۸۳۳) اما در اصطلاح، خودسازی به معنای تکمیل و پرورش نفس و استفاده از تمایلات و خواست‌های نفسانی به‌صورت هم‌آهنگ و در جای مخصوص خود است. (مجله معارف اسلامی، ۱۳۷۹، ش ۴۵)

تعریف خودسازی

برای بحث کردن درباره هر موضوعی، ابتدا لازم است با تعریف آن آشنا شویم. «منظور از خودسازی و به‌طور کلی پرداختن به خویش، شکل دادن و جهت بخشیدن به فعالیت‌های حیاتی و تصحیح انگیزه‌ها و در نظرگرفتن مقصد نهایی و سوگیری فعالیت‌ها

برای قرب به خداوند است؛ نه محدود کردن و متوقف ساختن فعالیت‌ها و توصیه به این که انسان فقط به خود بپردازد و در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت نداشته باشد و عزلت‌گزینی رویه خود سازد. به عبارت دیگر، غرض از این بحث این است که بدانیم چگونه کوشش‌های علمی و عملی خود را تنظیم کنیم و آنها را به چه سویی سوق دهیم تا در رسیدن به کمال حقیقی و فلاح و رستگاری مؤثر باشد.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۲۱)

خودسازی در قرآن

مسئله خودسازی، در قرآن کریم با عنوان تزکیه و تزکی مطرح شده که معنای آن عبارت است از: «پاک نمودن خود از ناپاکی‌ها» (طریحی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳) در آیات متعددی از قرآن کریم بر اهمیت این پاک‌سازی تأکید شده است؛ مثلاً در سوره شمس می‌خوانیم: «هر کس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد به یقین رستگار خواهد بود و هر که او را پلید گرداند البته زیانکار خواهد گشت.» «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّىٰ هَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّىٰ هَا.» (شمس، ۹ و ۱۰) همچنین در آیه ۱۹ سوره فاطر و آیات ۱۴ و ۱۵ سوره اعلیٰ، بر این مسئله تأکید شده است.

اهمیت خودسازی

اهمیت خودسازی امری واضح است، زیرا غایت خودسازی، نجات از هلاکت و توفیق به قرب خداوند است. هر انسان خردمندی که به خداوند و جهان آخرت، اعتقاد دارد و رستگاری انسان را به درستی عقاید و نیکی اعمال و ملکات او می‌داند، حکم می‌کند که تلاش برای رستگاری، یگانه کاری است که شایسته است همه زندگی وقف آن شود. نجات از عذاب آخرت، جز با خودسازی و تسلط بر خویشتن امکان‌پذیر نیست. (wikifeqh.ir، ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، ۱:۳۵) همان‌طور که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم فرمودند: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.» (آیت الله العظمی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم)

در نظر امام خمینی (ره) مهم‌ترین عنصر تمدن نه در نمادهای فیزیکی آن، بلکه در توان انسان‌سازی آن یعنی بعد معنوی و دینی آن نهفته است. با این مقیاس، ایشان فرهنگ غرب را با تمام توانایی‌هایی که در تولید مصنوعات بشری و کشف قوانین طبیعت دارد، به لحاظ نگاه تک بعدی‌اش به انسان، تمدنی مناسب نمی‌دانند؛ زیرا بر مبانی دینی راستین و حقیقی بنا نشده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۳۶۸)

زمان خودسازی

خودسازی به‌عنوان یک فریضه عقلی در همه ادوار زندگی واجب است و در هیچ لحظه‌ای از عمر نباید آن را ترک گفت؛ زیرا وعید پروردگار وحشتناک و وعده‌های نمیم او بسیار بزرگ است. سهولت خودسازی، در همه دوران‌های زندگی به یک اندازه نیست. کسی که دوران جوانی را سپری کرده و در میان‌سالی به گناه غفلت خو کرده، به‌دشواری می‌تواند کام خود را از لذات حرام محروم سازد. دشوارتر اینکه، خروج او از غفلت کار آسانی نیست و چون غافل است درد خود را نمی‌داند تا به درمان آن روی آورد. حتی اگر غفلت او را رها کند، توان او در ساختن حال و آینده اندک شده و نمی‌تواند به‌راحتی با گذشته خود وداع نماید. (wikefqh.ir، ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، ۵۶:۱)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خطاب به فرزند خود می‌فرماید: «و جز این نیست که قلب انسان جوان مانند زمین خالی از کشت است، هر چه که در آن پاشیده یا کاشته شود، آن را می‌پذیرد؛ لذا، پیش از آنکه دلت قساوت بگیرد و عقلت مشغول شود به تأدیب تو پیش‌دستی کردم.»؛ «وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُو قَلْبُكَ، وَ يَسْتَعْلِلُكَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) به همین علت است که مقام معظم رهبری نگران سرنوشت دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان است که توسط ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر خطرناک کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق مورد تهاجم قرار گرفته است و از دستگاه‌های مسئول حکومتی خواهان است که هوشمندانه و کاملاً مسئولانه با این عوامل جهنمی بستیزند.

مراحل خودسازی

انسان سه ساحت وجودی دارد. هویت طبیعی و حیوانی، هویت عقلانی و انسانی و هویت الهی و عرفانی. انسان ابتدا یک موجود طبیعی است و حیوانیت بالفعل دارد و باید برای رسیدن به کمال خودسازی کند؛ یعنی از نفسانیت به سوی احیای عقل و انسانیت و سپس تقویت بعد عرفانی و هویت الهی خویش مهاجرت نماید؛ بنابراین خودسازی باعث می‌شود که انسان از حیوانیت خارج، و با علم و تفکر عقل خود را کامل و در یک مرحله بالاتر پس از تکمیل کمال انسانی و عقلانی به‌وادای عشق و عرفان قدم بگذارد و به کمال نهایی خود که هویت الهی است، برسد. (دانشنامه اسلامی، dictionary.abadis.ir، ۱۳۹۹/۰۱/۲۸، ۴۵:۱۴)

خودسازی مراحل دارد که عبارت‌اند از:

مرحله اول، تخلیه: در این مرحله از تهذیب نفس، باطن انسان باید از اخلاق و اعمال زشت و ناپسند تخلیه شود.

مرحله دوم، تجلیه: در این مرحله باید باغچه دل را که در مرحله اول از ویروس‌های مضر پاک شده، زینت داده شود و جلا پیدا کند تا اگر ویروسی هم از مرحله اول باقی مانده به‌طور کلی نابود شود تا بتواند نور و صفای معنویت را منعکس کند.

مرحله سوم، تحلیه: وقتی در مرحله دوم دل انسان پاک و نفس عاری از هرگونه آلودگی گردید و با عبادت به این مرحله رسید و راه هدایت برای او هموار شد، از این به بعد تقوا و دوری از گناهان باعث می‌شود تا انسان راه را از چاه تمییز دهد و منحرف نشود.

مرحله چهارم، فنای الی الله: هر کس که توانست خود را به این مرحله برساند، دنیا برایش بچوچ و بیهوده می‌شود و در واقع همه چیز برای او در خداوند خلاصه می‌شود. (hawzah.net، ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، ۱۵:۱۳)

راه‌های خودسازی

برای خودسازی راه‌ها و شیوه‌های متفاوتی بیان شده است؛ روان‌شناسان راه‌های تجربی را پیشنهاد کرده‌اند، عارفان، ریاضت و مکاشفه را برگزیده‌اند، زاهدان، زهد و عبادت را انتخاب کرده‌اند و... ولیکن همه مسیر و هدف معینی داشته‌اند و آن رسیدن به مرحله‌ای بوده که نفس مهذب باشد و سیر الی الله کند. (hawzah.net، ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، ۱۶:۱۶)

امام خمینی(ره) در بیان راه‌های خودسازی چنین می‌فرماید:

تفکر: بدان که اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به‌جانب حق تعالی تفکر است و تفکر در این مقام عبارت است از آنکه انسان لااقل در هر شب و روزی مقداری ولو کم هم باشد فکر کند در اینکه آیا مولای او که او را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را از برای او فراهم کرده، و بدن سالم و قوای صحیحی که هر یک دارای منفعی است که عقل هر کس را حیران می‌کند به او عنایت کرده، و این همه بسط بساط نعمت و رحمت کرده، و از طرفی هم این همه انبیاء فرستاده، و کتاب‌ها نازل کرده و راهنمایی‌ها نموده و دعوت‌ها کرده، آیا وظیفه ما با این مولای مالک الملوک چیست؟ آیا تمام این بساط فقط برای همین حیات حیوانی و اداره کردن شهوات است که با تمام حیوانات شریک هستیم، یا مقصود دیگری در کار است؟ آیا انبیاء کرام و اولیاء معظم و حکمای بزرگ و علمای هر ملت که مردم را دعوت به قانون، عقل و شرع می‌کردند و آنها را از شهوات حیوانی و از این دنیای فانی پرهیز می‌دادند با آنها دشمنی داشتند و دارند، یا راه صلاح ما بیچاره‌های فرو رفته در شهوات را مثل ما نمی‌دانستند؟ اگر انسان عاقل لحظه‌ای فکر کند می‌فهمد که مقصود از این بساط چیز دیگر است و منظور از این خلقت، عالم بالا و بزرگ‌تری است و این حیات حیوانی مقصود بالذات نیست و انسان عاقل باید

در فکر خودش باشد، و به حال بیچارگی خودش رحم کند و با خود خطاب کند: ای نفس شقی که سال‌های دراز در پی شهوات عمر خود را صرف کردی و چیزی جز حسرت نصیبت نشد، خوب است قدری به حال خود رحم کنی، از مالک الملوک حیا کنی و قدری در راه مقصود اصلی قدم زنی که آن موجب حیات همیشگی و سعادت دائمی است و سعادت همیشگی را مفروش به شهوات چند روزه فانی که آن هم به دست نمی‌آید حتی با زحمت‌های طاقت‌فرسا. قدری فکر کن در حال اهل دنیا از سابقین تا این زمان که می‌بینی، ملاحظه کن زحمت‌های آنها و رنج‌های آنها در مقابل راحتی آنها چقدر زیادتر و بالاتر است، در صورتی که برای هر کس هم راحتی و خوشی پیدا نمی‌شود. آن انسانی که در صورت انسان و از جنود شیطان است و از طرف او مبعوث است و تو را دعوت به شهوات می‌کند و می‌گوید زندگانی مادی را باید تأمین کرد، قدری در حال خود او تأمل کن و قدری او را استنطاق کن ببین آیا خودش از وضعیت راضی است؟ یا آنکه خودش مبتلا است می‌خواهد بیچاره دیگری را هم مبتلا کند؟ در هر حال از خدای خود با عجز و زاری تمنا کن که تو را آشنا کند به وظایف خودت که باید منظور شود ما بین تو و او و امید است این تفکر که به قصد مجاهده با شیطان و نفس آماره است، راه دیگری برای تو بنمایاند و موفق شوی به منزل دیگر از مجاهده.

عزم: منزل دیگر که بعد از تفکر از برای انسان مجاهد پیش می‌آید، منزل عزم است و عزمی که مناسب با این مقام است عبارت است از بناگذاری و تصمیم بر ترک معاصی، و فعل واجبات و جبران آنچه از او فوت شده در ایام حیات و بالاخره عزم بر اینکه ظاهر و صورت خود را انسان عقلی و شرعی نماید که شرع و عقل به حسب ظاهر حکم کنند که این شخص، انسان است و انسان شرعی عبارت از آن است که موافق مطلوبات شرع رفتار کند، و ظاهرش ظاهر رسول اکرم ﷺ باشد، و تأسی به آن بزرگوار بکند در جمیع حرکات و سکنات و در تمام افعال و تروک و این امری است بس ممکن، زیرا که ظاهر را مثل آن سرور کردن امری است مقدور هر یک از بندگان خدا و بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود مگر آنکه ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت و تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود، و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود و پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متأدب به آداب ظاهره خواهد بود و از این جهت دعوی بعضی باطل است که به ترک ظاهر، علم باطن پیدا شود. یا پس از پیدایش آن به آداب ظاهره احتیاج نباشد و این از جهل گوینده است به مقامات عبادت و مدارج انسانیت.

مشارطه: مشارطه آن است که در اوّل روز مثلاً با خود شرط کند که امروز بر خلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد و معلوم است یک روز خلاف نکردن امری است خیلی سهل، انسان می‌تواند به آسانی از عهده بر آید. تو عازم شو و شرط کن و تجربه نما بین چقدر سهل است. ممکن است شیطان و جنود آن ملعون بر تو این امر را بزرگ نمایش دهند، ولی این از تلبیسات آن ملعون است، او را از روی واقع و قلب لعن کن، و اوهام باطله را از قلب بیرون کن، و یک روز تجربه کن، آن وقت تصدیق خواهی کرد.

مراقبه: آن چنان است که در تمام مدّت شرط متوجه عمل به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن و اگر خدای نخواستہ در دلت افتاد که امری را مرتکب شوی که خلاف فرموده خداست، بدان که این از شیطان و جنود اوست که می‌خواهند تو را از شرطی که کردی باز دارند. به آنها لعنت کن و از شر آنها به خداوند پناه ببر و آن خیال باطل را از دل بیرون نما و به شیطان بگو که من یک امروز با خود شرط کردم که خلاف فرمان خداوند تعالی نکنم، ولی نعمت من، سال‌های دراز است به من نعمت داده، صحت و سلامت و امنیت مرحمت فرموده و مرحمت‌هایی کرده که اگر تا ابد خدمت او کنم از عهده یکی از آنها بر نمی‌آیم سزاوار نیست یک شرط جزئی را وفا نکنم. امید است ان‌شاءالله شیطان طرد شود و منصرف گردد و جنود رحمان غالب آید و این مراقبه با هیچ یک از کارهای تو، از قبیل کسب، سفر، تحصیل و غیره منافات ندارد.

محاسبه: آن عبارت است از اینکه حساب نفس را بخشی در این شرطی که با خدای خود کردی که آیا به جا آورد و با ولی نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکردی؟ اگر درست وفا کردی، شکر خدا کن در این توفیق و بدان که یک قدم پیش رفتی و مورد نظر الهی شدی و خداوند ان‌شاءالله تو را راهنمایی می‌کند در پیشرفت امور دنیا و آخرت و کار فردا آسان تر خواهد شد. چندی به این عمل مواظبت کن، امید است ملکه گردد از برای تو به طوری که از برای تو کار خیلی سهل و آسان شود، بلکه آن وقت لذت می‌بری از اطاعت فرمان خدا و از ترک معاصی در همین عالم، با اینکه اینجا عالم جزا نیست لذت می‌برد و جزای الهی اثر می‌کند و تو را ملتذ می‌نماید و بدان که خدای تبارک و تعالی تکلیف شاقی بر تو نکرده و چیزی که از عهده تو خارج است و در خور طاقت تو نیست بر تو تحمیل نفرموده، لکن شیطان و لشکر او کار را بر تو مشکل جلوه می‌دهند و اگر خدای نخواستہ در وقت محاسبه دیدی سستی و فتوری شده در شرطی که کردی، از خدای تعالی معذرت بخواه و بنا بگذار که فردا مردانه به عمل شرط قیام کنی و به این حال باشی تا خدای تعالی ابواب توفیق و سعادت را بر روی تو باز کند و تو را به صراط مستقیم انسانیت برساند.

تذکر: یاد خدای تعالی و نعمت‌هایی که به انسان مرحمت فرموده است. پس ای عزیز، متذکر عظمت خدای خودت باش و متذکر نعمت‌ها و مرحمت‌های او شو و متذکر حضور باش و ترک کن نافرمانی او را و در این جنگ بزرگ بر جنود شیطان غلبه کن و مملکت خود را مملکت رحمانی و حقّانی کن، و به‌جای جنود شیطان محل اقامت لشکر حق تعالی نما، تا آنکه خداوند تبارک و تعالی تو را توفیق دهد در مجاهده مقام دیگر و در میدان جنگ بزرگ‌تر که در پیش است، و آن جهاد نفس است در عالم باطن و مقام دوم نفس و باز تذکر دهم که در حال به خود امیدی نداشته باش که از غیر خدای تعالی از کسی کاری بر نمی‌آید و از خود حق تعالی با تضرع و زاری توفیق بخواه که تو را در این مجاهده اعانت فرماید تا بلکه ان شاء الله غالب آیی. (امام خمینی(ره)، بی تا، صص ۲۳-۳۴)

چند نمونه از افراد خودساخته و تأثیرگذار در جهان اسلام

در طول تاریخ اسلام انسان‌های بی‌شماری به دنیا آمده‌اند، مدتی زندگی کرده و از دنیا رفته‌اند. بسیاری از این افراد به دست فراموشی سپرده شده‌اند و تنها نام تعداد محدودی از آن‌ها بر صفحه تاریخ باقی مانده است. این ماندگاری ناشی از خودساختگی و تأثیری است که این افراد بر زندگی سایر انسان‌ها گذاشته‌اند همان‌طور که رهبر معظم انقلاب (دام‌ظله) برای رشد اخلاق و معنویت خطاب به حکومت‌ها چنین می‌فرمایند: «اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.» (آیت الله العظمی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم) در اینجا نیز خواهیم دید که علت تأثیرگذاری این چند تن انسان عزیز و آزاده، هویدا بودن گفتارشان در رفتارشان است.

حضرت محمد ﷺ آخرین فرستاده خدا است که دین اسلام را برای انسان‌ها به ارمغان آورده است. گسترش اسلام ساختار سیاسی جهان را به‌طور کلی تغییر داد و در حال حاضر یک و نیم میلیارد مسلمان در جهان زندگی می‌کنند.

امام علی (علیه السلام): اولین امام شیعیان و چهارمین خلیفه مسلمین پس از پیامبر اکرم ﷺ، مهم‌ترین شخصیت دنیای اسلام، پس از پیامبر خدا ﷺ به شمار می‌روند.

امام حسین (علیه السلام): فرزند امام علی (علیه السلام) که در کربلا به شهادت رسیدند و هنوز پس از ۱۴۰۰ سال میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان برای او عزاداری می‌کنند.

سلمان فارسی: صحابی ایرانی بود که پیامبر اسلام ﷺ او را از خود (اهل بیت) خواند و به سلمان محمدی شهرت یافت. طرح کندن خندق دور شهر مدینه در غزوه خندق پیشنهاد او بود. یکی از کارهای بسیار مهم سلمان که بخش اعظم زندگی او را فرا گرفته بود، تلاش پیگیر او در معرفی اسلام ناب و تشییع راستین بعد از رحلت رسول خدا ﷺ است. او در این راستا در مدینه جهاد کرد و از هر فرصتی بهره برد. وقتی به مدائن آمد، همین عقیده را دنبال کرد و نقش بسیاری در تشییع ایرانیان داشت. سلمان پیام آور اسلام ناب، منادی تشییع و نوید بخش مذهب اهل بیت (علیهم السلام) بود و اکثر ایرانیان این ندا و نوید را شنیدند و پذیرفتند. (zaerapp.ir/01/29/1399، ۱۷:۵۵)

امام خمینی (ره): سید روح الله موسوی خمینی مشهور به امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، از بزرگ‌ترین مراجع تقلید شیعه در قرن چهاردهم هجری قمری است. مسلمانان و به‌ویژه شیعیان جهان علاقه فراوانی به او داشتند. مراسم تشییع پیکر او با شرکت حدود ده میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین مراسم تشییع جهان شمرده می‌شود.

سردار شهید سلیمانی: حاج قاسم سلیمانی فرمانده خستگی‌ناپذیر جبهه‌های حق علیه باطل بود. ایشان جزو متفکران برتر حوزه دفاعی در جهان بود. حضور مؤثر حاج قاسم در صحنه مبارزه با داعش و شکست این توطئه صهیونیستی در منطقه باعث شد تا در اسفندماه ۱۳۹۷ نشان ذوالفقار به‌عنوان عالی‌ترین نشان نظامی ایران از سوی فرمانده معظم کل قوا به ایشان اهدا شود. (پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، ۱۹ اسفند ۱۳۹۷) با اینکه ایشان همیشه از حضور در رسانه دوری می‌کرد، محبتش چنان در دل مردم رسوخ کرده بود که تشییع پیکر ایشان، به شلوغ‌ترین مراسم تشییع پس از تشییع امام خمینی (ره) تبدیل شد.

تأثیر خودسازی تک‌تک افراد بر جامعه

جامعه یعنی مجموع افراد با یک ترکیب مخصوص. جامعه وجودی مستقل از افراد ندارد. (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۱۳) به عبارت دقیق‌تر «جامعه» وجودی حقیقی و شخصیتی مستقل از شخصیت‌های افراد خود ندارد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۴۲)

هر کدام از افراد و شخصیت‌های جامعه در حدی بر محیط تأثیر می‌گذارند. انسان خودساخته در عین «خودسازی» توانمندی خویش را برای کمک به دیگران بالا می‌برد و آنها را با مقام شامخ آخرین حجت خدا، شکوه روز ظهور، لزوم انتظار فرج و وظایف دیگر، آشنا می‌سازد. چنان که در قرآن کریم آمده است: «خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.»؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) بنابراین، فرایند جامعه‌سازی و تمدن‌سازی، تنها در

صورتی محقق خواهد شد که کسانی برای بر عهده گرفتن مسئولیت خطیر جامعه‌سازی و تمدن‌سازی، خویشتن انقلابی خود را شناخته و بنای معرفتی آن را ساخته باشند، زیرا جامعه و تمدن، حاصل خود انسان هستند و به رنگ آن در می‌آیند و این فرد انقلابی است که جامعه انقلابی را خواهد ساخت. به تعبیر معمار انقلاب مبارک آن وقتی است که خودمان بتوانیم خودمان را بسازیم و به دنبال آن کشور را. هر اصلاحی، نقطه اولش خود انسان است و چنان چه خود انسان تربیت نشود، نمی‌تواند دیگران را تربیت کند. آن چیزی که بر همه ما لازم است، ابتدا توجه به نفس خودمان است و قانع نشدن به ظاهر. باید از قلب و مغزمان شروع کنیم و هر روز به دنبال این باشیم که روز دومان بهتر از روز اولمان باشد و امیدوارم این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و به دنبال آن، مجاهده برای ساختن یک کشور. (امام خمینی(ره)، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۴۹۱)

همچنین فرد می‌تواند به صورت الگو قرار گرفتن برای دیگران، در جامعه تأثیر بگذارد. اما اساسی‌ترین، مهم‌ترین، وسیع‌ترین، عمیق‌ترین، پایدارترین و ماندگارترین تأثیری که یک فرد می‌تواند در جامعه‌ای داشته باشد و به وسیله آن زندگی روانی و انسانی افراد آن جامعه را متحول کند تأثیر در جهان بینی و ارزش‌گذاری آن جامعه، یا به تعبیری دیگر تأثیر در باور آن جامعه است. آدمیان با آزادی و اختیاری که در جامعه دارند می‌توانند مسیر جامعه را دگرگون سازند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، صص ۱۵۹ و ۲۴۲) بله یک فرد می‌تواند سرنوشت جدیدی را برای جامعه خود رقم زند. پیامبر اکرم ﷺ نمونه بارز این ادعا می‌باشد. آن حضرت با اتصال به خداوند تبارک، جامعه‌ای فاسد را اصلاح نمودند و این نمونه فقط مختص پیامبر ﷺ نمی‌باشد، زیرا که پیامبر اکرم ﷺ سرمشق و الگویی مطلق در همه ابعاد زندگی و برای همه جهانیان است. «البتة شما را به رسول خدا اقتدایی نیکوست.»؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱). امام خمینی(ره) نیز به پیروی از آن حضرت، جامعه‌ای را دگرگون ساختند و حتی در کل جهان تأثیر و تغییری به وجود آوردند.

تأثیر جامعه خودساخته در گسترش تمدن نوین اسلامی

رسول گرامی اسلام ﷺ با بعثت خود، تمدنی را در جهان پایه‌گذاری کردند که سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند و امروز ایران اسلامی در عصر حیرت و آشفتگی بشر پیشرو ترویج آموزه‌های آن حضرت و تبیین اهداف بلند، ویژگی‌ها و کارکردهای تمدن نوین اسلامی در استمرار آن تمدن الهی و انسان‌ساز است که رهبر معظم انقلاب به‌عنوان سلاله پاک آن حضرت ﷺ در راه احیا و ایجاد آن با هدایت جامعه اسلامی و تنویریه کردن مبانی آن تلاش شبانه‌روزی می‌کنند.

نگاه تاریخی به تمدن اسلامی نشان می‌دهد که با آغاز بعثت نبی گرامی اسلام بنیان‌های یک تمدن جدید در جهان بنا نهاده شد که امروزه آن را تحت عنوان تمدن اسلامی می‌شناسیم. این تمدن برخلاف سایر تمدن‌ها که از طریق فعالیت‌های نظامی و سیاسی در مناطقی شروع به رشد می‌کنند، از طریق یک ایده بزرگ و با یک سخن نو در منطقه‌ای از جهان مطرح می‌شود که فاقد آثار تمدنی آن چنانی است. به عبارت دیگر اگر ما بخواهیم به آغاز تمدن اسلامی از لحاظ جغرافیایی نگاهی مقایسه‌ای با تمدن‌های موجود در عصر ظهور اسلام داشته باشیم، ملاحظه خواهیم کرد که منطقه ظهور اسلام از آثار قابل توجهی برخوردار نیست؛ بنابراین از لحاظ جغرافیایی و سرزمینی، تمدن اسلامی در منطقه‌ای از جهان شروع به رشد می‌کند که قرآن کریم آن جامعه را با واژه جاهلیت توصیف می‌کند؛ بنابراین می‌توان مدعی شد که از لحاظ استعداد اجتماعی و جغرافیایی، سرزمین حجاز فاقد ویژگی‌های قابل ملاحظه‌ای برای شکل‌گیری یک تمدن بزرگ جهانی بود. اما مرور تاریخ نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اندک و برنامه‌ریزی‌های دقیق برای ایجاد بنای یک تمدن بزرگ، ابتدا چشم و گوش تمامی ساکنان شبه‌جزیره را متوجه یک پیام الهی و انسان‌ساز می‌کند و با تزریق برنامه‌ریزی شده اندیشه‌های وحیانی، هسته‌ای اولیه برای تمدن بزرگ اسلامی بنا می‌نهد.

در همین راستا است که رهبر معظم انقلاب نیز با تمسک به روش پیامبر اعظم ﷺ به‌عنوان الگوی حسنه امت اسلامی، تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان یک ایده و طرح برتر معرفی می‌کند که توانایی جلب توجه و جذب ملت‌های مسلمان را به‌سوی خود و در نهایت تأثیرگذاری نرم برای ایجاد اتحاد و حرکت جوامع اسلامی برای ساخت یک قدرت بزرگ جهان را دارد. در این ارتباط معظم له می‌فرماید: «تمدن اسلامی کشورگشایی نیست؛ بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است.» و در تشریح بیشتر راهبرد تشکیل تمدن نوین اسلامی، ضمن اشاره ملبح به تاریخ اولیه اسلام و حرکت رسول گرامی آن برای تشکیل جامعه اسلامی و در نهایت تمدن بزرگ اسلامی، هشدار می‌دهند که ماندن در تاریخ و عدم توجه به مقتضیات روز و ایجاد حرکت تأثیرگذار، کاری از پیش نخواهد برد، لذا می‌فرماید: «امروز وظیفه امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیامبر ﷺ یا بعثت پیغمبر ﷺ جشن برپا کنند. این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر ﷺ، روحی در این دنیا بدمند، فضای جدیدی ایجاد کنند، راه تازه‌ای را باز کنند ما به این پدیده‌هایی که در انتظار آن هستیم می‌گوییم تمدن نوین اسلامی... این به معنای تصرف سرزمینی نیست.»

بنابراین، با توجه به اینکه امروز جوامع مدرن در همه جای جهان تشکیل شده و شهرنشینی و ساختارهای اجتماعی با نظام‌مندی و ساختارهای پیچیده شکل گرفته و اداره

می‌شوند، لذا نه‌تنها با مراجعه به معنا و تعریف مصطلح «تمدن» راه به مقصود نخواهیم برد، بلکه راهگشای تحقق «تمدن نوین اسلامی» نیز نخواهیم بود. به عبارت ساده و خلاصه‌تر، همان‌طور که از فرمایشات رهبر معظم انقلاب نیز به‌عنوان مبدأ و طراح ایده تمدن نوین اسلامی بر می‌آید، ایجاد تمدن نوین اسلامی یک حرکت فکری و اندیشه‌ای است که از طریق تأثیرگذاری در امت اسلامی مسیر خود را برای ساخت تمدن نوین اسلامی باز خواهد کرد. (داود عامری، ۱۳۹۶)

پیشرفت یک جامعه به‌واسطه همت، حرکت و نگاه آینده‌نگرانه افراد آن جامعه اتفاق می‌افتد، بنابراین اگر افراد یک جامعه از کرامت و عزت‌نفس شایسته برخوردار باشند، می‌توانند منشاء حرکت و اثر شوند. (داود عامری، ۱۳۹۶) جامعه خودساخته به بینش درست از خود و نوع انسان دست می‌یابد. جامعه خودساخته هرچه جلوتر برود، بر بلوغ عقلی و پختگی‌اش افزوده می‌شود و نیاز به مصلح و منجی را بیشتر و بهتر حس خواهد کرد. این جامعه علاوه بر اینکه پوچ و پوچ‌گرایی که منشأ ناامیدی و سکون است در آن راهی ندارد، با اصلاح رویه‌ها و ساختارهای کشور منشأ تحرک و پویایی خود شده و الگوی کشورهای همسایه می‌گردد و زمینه‌ها و بسترهای حاکمیت فرهنگ مهدوی را فراهم می‌کند. در آیه ۵۵ سوره نور در مورد اینکه دین پسندیده خدا در زمین مستقر و پابرجا خواهد شد و خلافت روی زمین به مؤمنان و کسانی که عمل صالح دارند، خواهد رسید و تمدن اسلامی در جهان گسترانده می‌شود، چنین می‌فرماید: «خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر) ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد چنانچه امم صالح پیامبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی‌هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبهکارند.»؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵)

نتیجه‌گیری

گسترش تمدن نوین اسلامی، امری است که توجه تمام ملت‌های اسلامی را می‌طلبد. در این بین، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان الگویی برای باز شکوفایی تمدن اسلامی، می‌تواند راهنما و راهگشا باشد. انقلاب اسلامی ایران در صورتی می‌تواند الگو

باشد که توصیه‌های دلسوزانه رهبر آگاه و تدبیر اندیش خود را که بر اساس تعالیم اسلام است، مبنا و چراغ راهش قرار دهد. مقدمه اجرای این توصیه‌ها خودسازی است، چرا که انسان خودساخته، تحت تأثیر کانون دلش قرار نمی‌گیرد و در همه حال، حقیقت و راستی را در نظر می‌گیرد. او همیشه مراقب نفس خویش است که مبادا زشتی از او سر بزند، به دنیا و آنچه در او هست پشت‌پا زده و تنها به آخرت خود می‌اندیشد. این فرد، با اخلاق نیکو و پسندیده‌اش، با روی باز به قضا و قدر الهی راضی است و در امور زندگی‌اش برنامه‌ریزی مفید داشته و کارهایش بر اساس نظم شکل می‌گیرد. کسی که خودسازی کرده، در تمام کارها خدا را ناظر به اعمال خود می‌بیند و از این رو سعی می‌کند مرتکب گناهی نشود و در نتیجه جامعه‌ای سالم نیز به وجود خواهد آمد. از آنجایی که در زمینه‌ی نقش خودسازی بر گسترش تمدن نوین اسلامی واکاوی‌های سطحی انجام شده بود این نوشته کمی عمیق‌تر به این مؤلفه پرداخته است. برای شروع، عمل به این توصیه را باید از خویشتن خویش آغاز کنیم؛ چرا که «عالم بی‌عمل، به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل» و «هر سخن کز دل برآید، لاجرم بر دل نشیند.»؛ وقتی که حرفمان در عملمان متجلی شد نوبت به برنامه‌ریزی برای فراگیرشدن این مهم می‌رسد؛ چون این راه، راهی نیست که یک‌شبه و بدون فراهم آوردن مقدمات طی شود. پیروزی در این مسیر، همکاری تک‌تک افراد جامعه، رسانه، نهادها و سازمان‌ها و در رأس آن سران حکومتی را می‌طلبد. در این راستا به نظر می‌رسد باید توجهی ویژه به گروه‌های سنی نونهال، نوجوان و جوان داشت؛ چرا که دل‌های پاک آنان، پذیرای حقیقت است و باید بذر معرفت را در دل آنها پاشید؛ قبل از اینکه مهاجمین فرهنگی، پیروز میدان شوند.

منابع:

- قرآن کریم، ۱۳۸۸، ترجمه استاد الهی قمشه ای (ره)، چاپ نهم، قم، انتشارات فاطمه الزهرا (س).
- نهج البلاغه، ۱۳۸۸، ترجمه استاد علامه جعفری، چاپ سوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله، ۱۳۶۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۸، ص ۳۶۸.
- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله، بی تا، شرح چهل حدیث، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، صص ۲۳-۳۴.

- بیانات آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، سایت www.khamenei.ir.
- بیانات آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، در دیدار با مسئولان نظام، ۳۱ شهریور ماه ۱۳۸۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، سایت www.khamenei.ir.
- اعطای نشان عالی ذوالفقار به فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، ۱۹ اسفند ۱۳۹۷، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، سایت www.khamenei.ir.
- دهخدا، علی اکبر، بی تا، لغت‌نامه علی اکبر دهخدا، ج ۶ ص ۸۸۳۳.
- دانشنامه اسلامی، استفاده از سایت، dictionary.abadis.ir تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸، ۱۴:۴۵.
- داود عامری، استفاده از سایت www.javanonline.ir، تاریخ انتشار خبر: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴، ۱۷:۴۵، کد خبر: ۸۸۴۲۷۱.
- داود عامری، استفاده از سایت، www.javanonline.ir تاریخ انتشار خبر: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴، ۱۲:۲۸، کد خبر: ۸۸۴۲۶۴.
- سایت zaer.app.ir، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، ۱۷:۵۵.
- سایت، wiki-feqh.ir تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، ۱:۳۵.
- سایت hawzah.net، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، ۱۵:۱۳.
- طریحی، فخرالدین، بی تا، مجمع‌البحرین، بی جا، بی نا، ج ۱، ص ۲۰۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، به سوی خودسازی، نگارش: کریم سبحانی، چاپ چهارم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۲۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۴۲.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، فلسفه اخلاق، بی جا، انتشارات صدرا، ص ۲۱۳.
- مجله معارف اسلامی، (فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر) ۱۳۷۹، شماره ۴۵.